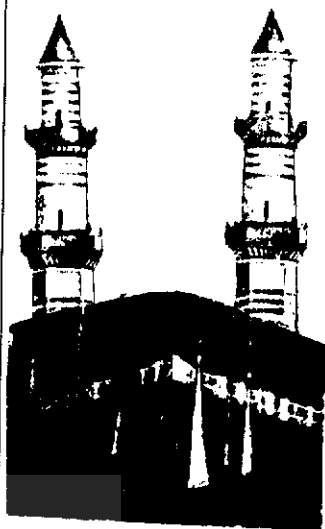


# ابعاد سیاسی و اجتماعی حج

(۱)

جعفر سبحانی



لیشهدوا منافع لهم ویدکروا اسم الله فی ایام معلومات

«سوره حج آیه ۲۸»

هدف از تشریح فریضه حج ایجاد توجه و خضوع بندگان خدا در برابر خداست و این مطلب با توجه به اعمال حج کاملاً روشن و هویدا است.

عبادت و پرستش حق، و طرد پرستش غیر او، از نخستین اعمال آن گرفته، تا آخرین عمل آن آشکار است، و نیازی به تذکر ندارد بالاخص اگر این اعمال با دعا‌های مستحب، و اذکاری که پیرامون آنها وارد شده است توأم گردد و از مجموع این اعمال چنین نتیجه گرفته میشود:

حج عبادت و پرستش حق است، در بهترین و زیباترین صورت ممکن.

حج خضوع در برابر خدای با عظمت است، در بهترین شکل.

حج نضوع و زاری بدرگاه حق است، در عمیق ترین نوع آن.

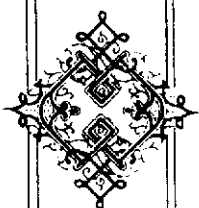
حج عبادتی است که در آن همه نوع عناصر اظهار عبودیت و بندگی گرد آمده و خضوع عبودیت، تقوا و وارستگی از شهوات و بریدگی از دنیا، کاملاً در آن به چشم می خورد.

زائران خانه خدا، با پوشیدن دو قطعه لباس، و ارستگی خود را از مظاهر مادی به نمایش گذاشته و چنین وانمود می کنند که جز خدا، همه چیز حتی فرزند، خانواده و میهن، همه و همه را به دست فراموشی سپرده اند و چیزی که محیط فکر زائر خانه خدا را مشغول می سازد، جزلیبک گفتن به ندای خدای یگانه چیزی دیگر نیست.

این مسأله با توجه به اعمال فریضه حج و اماکنی که این اعمال در آنجاها انجام میگیرد و موافقی که باید زائر در آنجا توقف کند، کاملاً واضح و روشن است از این جهت باید حج را از بزرگترین اعمال عبادی و فرائض مذهبی شمرد.

ولی در کنار این مطلب سخن دیگری نیز هست، و آن اینکه آیا این عمل عبادی در عین عبادت، بعد سیاسی و اجتماعی نیز دارد یا نه؟ یا اینکه بسان نماز شب فقط و فقط در عبادت و پرستش حق بی آنکه با مسائل عمومی اسلامی ارتباط داشته باشد، خلاصه میگردد.

به دیگر سخن، آیا خدا فریضه حج را بر همه مسلمانان اعم از زن و مرد، پیر و جوان واجب نموده که خدای خود را با این عمل پرستند، بی آنکه جز عبادت، بعد سیاسی، اجتماعی داشته باشد؟





و نام خدا را در ایام معینی بر چهار پایانی که خدا در اختیارشان گذاشته است ببرند (وقتی آنها را قربانی کردید) از گوشت آنها بخورید و فقیر بی نوا را نیز اطعام نمایید.

بعد از آن باید آلودگی‌ها را از خود برطرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند و بر گردخانه کهن طواف نمایند.

اینست مناسک حج وهرکس که برنامه‌های الهی را بزرگ شمارد، نزد پروردگارش بر او بهتر است چهار پایان بر شما حلال شده، مگر آنچه که بعداً خواهیم گفت از بتها اجتناب کنید و از سخن باطل و زور پرهیزید.

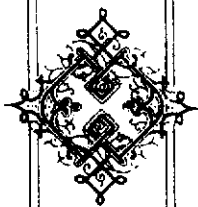
همگی خالصانه خدا را بپرستید و برای او شرک نوزید، هرکس برای خدا شریکی قائل شود بسان اینست که از آسمان بسوی زمین پرت شده و پرندگان او را در نیمه راه می‌ربایند و یا اینکه تند باد او را به دیار دوری پرت می‌کند.

اینست مناسک حج، وهرکس شعائر الهی را بزرگ بشمارد، نشانه پاکی قلبهاست.

در این حیوانات قربانی، برای شما منافی است تا روز ذبح آنها، سپس محل ذبح آنها کنار خانه قدیمی است «در صورتیکه احرام برای عمره مفرده باشد»

شما از میان این آیات، تنها آیه دوم را مورد نظر قرار دهید و در مقاد این جمله «ولیشهدوا منافع لهم» دقت کافی بعمل آورید، تا روشن شود که:

اولاً: مقصود از این منافع که زائران خدا باید شاهد آن باشند چیست؟ از اینکه این جمله در مقابل جمله «ویدکروا اسم الله» بیان شده، به نوعی میرساند، که حج دارای دو بعد است، عبادی که در ذکر



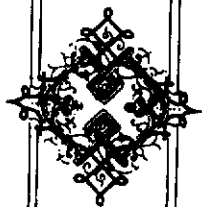
و یاد خدا تجسم می یابد و بعدی اجتماعی که در مسأله مشاهده منافع خلاصه می گردد.

و ثانیاً: در این آیه «منافع» که بیانگر ابعاد اجتماعی و سیاسی است مقدم بر «ذکر الله» که ترسیم گر جنبه عبادی اوست مقدم شمرده شده است.

و ثالثاً: قرآن لفظ منافع را بصورت مطلق و بدون هیچ گونه قیدی آورده است، تا شامل هر نوع منافع، اعم از اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی باشد، و هرگز ما حق نداریم این جمله را بر منفعت خاصی تطبیق کنیم و در هر حال خواه آنرا بر منافع اقتصادی و یا اعم از آن به سیاسی و اجتماعی شامل بدانیم، این جمله بقرینه مقابله با جمله بعدی «و یذکروا اسم الله» حاکی است که حج علاوه بر عبادت، قلمرو دیگری دارد که باید از آن نیز بهره گرفت و نباید آنرا یک عبادت خشک بدون اینکه پیوندی با زندگی مسلمین داشته باشد، اندیشید.

خوب است در اینجا پای سخن رئیس اسبق «جامع الازهر، شیخ محمود شلتوت» بنشینیم تا ببینیم او چگونه این جمله را تفسیر می کند.

وی می گوید: منافی که حج وسیله شهود و تحصیل آن می باشد، و به صورت نخستین فلسفه حج درآمده است، یک مفهوم گسترده و جامعی است که هرگز در نوع و یا خصوصیتی خلاصه نمی گردد، بلکه این جمله با عمومیت و شمولی که دارد همه منافع فردی و اجتماعی را در بر می گیرد، اگر تزکیه نفس و تقرب بسوی خدا منفعت است، مشاوره در ترسیم خطوط گسترش علم و فرهنگ نیز منفعت می باشد اگر این دو منفعت بشمار می روند، دعوت مسلمانان براینکه همگی فشار خود را در گسترش اسلام متمرکز سازند نیز



منفعت بشمار می رود، و همچنین ..... از این جهت این منافع به مقتضای زمان و اوضاع مسلمانان در هر زمان فرق می کند.<sup>۲</sup>

شیخ ازهر در جای دیگر نیز میگوید: «حج با توجه به موقعیت خاصی که در اسلام دارد و اهدافی که برای فرد و جامعه در آن در نظر گرفته شده است، شایسته است که مردان دانش و فکر، شخصیت‌های علمی و فرهنگی و مسئولان سیاسی و اداری و آگاهان از مسائل اقتصادی و مالی، و معلمان شرع و دین و مردان نبرد و جهاد به آن توجه خاصی بنمایند (و هر گروهی بهره خود را از آن بازگیرد).

شایسته است بر این حرم الهی از همه طبقات بشتابند، دارندگان فکر و اندیشه، نظر و اجتهاد، ایمان و اهداف بلند، در آنجا گرد آیند، تا دیده شود که چگونه مکه بالهای رحمت خود را بر آنها برکشیده و کلمه توحید، آنان را در گرد خانه خدا جمع کرده است و در نتیجه به شناسائی یکدیگر و مشاوره با هم، و معاونت یکدیگر پردازند آنگاه همگی به سرزمینهای خود بصورت امت واحدی بازگشته دلها یکی، و شعور و احساسات آنان نیز یکی...»<sup>۳</sup>

شایسته دقت اینست که قرآن پس از آیات یاد شده که همگی بیانگر شئون و منافع حج می باشد، سخن را به آیات جهاد و دفاع از حریم اسلام منتهی می سازد آنجا که می فرماید:

«ان الله يدافع عن الذين آمنوا ان الله لا يحب كل خوان كفور .

اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم لقدير .

الذين اخرجوا من ديارهم بغير حق الا ان يقولوا وبنال الله ولولا دفع

(۲) الشريعة والعقيدة ص ۱۵۱ .

(۳) الشريعة والعقيدة ص ۱۵۰ .

الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع وبيع وصلوات ومساجد يذكر فيها اسم الله كثيراً، ولينصرون الله من ينصره وان الله لقوى عزيز .  
الذین ان مکنہم فی الارض اقاموا الصلوٰۃ وآتوا الزکوٰۃ وامروا بالمعروف ونہوا عن المنکر ولله عاقبة الامور»<sup>۴</sup> .  
«خدا از افراد با ایمان دفاع می کند و البته خداوند هر فرد کثیرالخیانه و ناسپاس را دوست نمی دارد.

به آنها که از طریق جنگ تجاوز شده است اذن داده شده که از خود دفاع کنند، زیرا که مورد ستم قرار گرفته اند و خدا بر نصرت آنها توانا است .

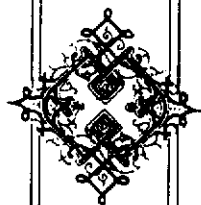
آنان که بناحق از خانه های خود بیرون رانده شده اند (جرمی نداشتند) جزاینکه میگفتند خدا پروردگار ماست و اگر خدا برخی از آنها را به وسیله برخی دیگر دفع نکند مراکز عبادت از قبیل دیرها و صومعه ها و معابد و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می شود ویران می گردد، و خداوند کسانی را که او را یاری می کنند یاری میکند خداوند توانا و قدرتمند است .

یاران خدا کسانی هستند که هرگاه در روی زمین قدرت پیدا کنند نماز را بر پا می دارند و زکات را می دهند و امر بمعروف و نهی از منکر می کنند و سرانجام کارها در دست خداست» .

آیا آوردن آیات مربوط به جهاد و دفاع، پس از آیات حج و باصطلاح همراه ساختن آیات حج و جهاد با یکدیگر از روی تصادف و بی جهت است؟ حاشا که قرآن آیات نامتناسب را در یک جا گرد بیاورد و پیوند آنها را رعایت نکند.

وحدت سیاق و لزوم ارتباط میان این دو گروه از آیات ما را براین

(۴) سوره حج، آیات ۴۱ - ۳۸ .



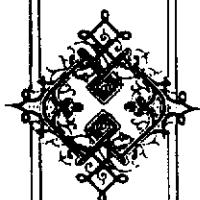
می‌دارد که حتماً میان حج و جهاد، میان کنگره فکری و میدان دفاع و عمل، رابطه خاصی وجود دارد و آن اینکه

سرزمین حج بهترین نقطه‌ای است که مسلمانان از طریق زعمای فکری و روحی، در مدت اقامت خود در این سرزمین آنچنان آمادگی فکری و روحی پیدا کنند که بتوانند دماغ کبر و استکبار را بخاک بمالند و استعمار و استعمارگر را بزانو در آورند.

آری این کنگره عظیم الهی که از نمایندگان هر نقطه‌ای در آنجا گرد می‌آیند، بهترین فرصتی است که متفکران آنها دور هم جمع شوند و موقف سیاسی و دفاعی خود را به بحث بگذارند و در برابر دشمنان صف واحدی را تشکیل دهند و به دشمن درسی بدهند که هرگز فراموش نکند، هر چند این وظیفه منحصر به ایام حج و مکان آن نیست بلکه مسلمانان باید با حذف هر نوع حدود زمانی و مکانی به نبرد با دشمن پردازند.

این تنها «شیخ شلتوت» نیست که منافع وارد در آیه را بصورت عموم تفسیر میکند بلکه مفسر دیرینه اهل سنت «طبری» پس از نقل اقوالی پیرامون آن، شایسته‌ترین قول در تفسیر را این می‌داند که بگوئیم خدا از این جمله یک معنی کلی را قصد کرده است که مسلمانان هر نوع منافعی که موسم آن را در بردارد، درک کنند و به دیگر سخن هر نوع منافع دنیوی و اخروی را بدست بیاورند و هرگز روایتی و یا حکم عقلی این جمله را از معنی وسیع آن به معنی خاصی تخصیص نداده است.<sup>۵</sup>

(۵) تفسیر طبری ج ۱۷ ص ۱۰۸ طبع بیروت.





## ۲ - کعبه قوام زندگی است

قرآن مجید کعبه و بیت حرام را با جمله «قیاما للناس» توصیف میکند آنجا که می فرماید: «جعل الله الکعبة البیت الحرام قیاما للناس والشهر الحرام والهدی والقلائد ذلك لتعلموا ان الله یعلم ما فی السموات وما فی الارض وان الله بکل شیء علیم»<sup>۶</sup>.

خداوند کعبه را قوام (حیات) مردم قرار داده و همچنین ماه حرام و قربانیهای بی نشان و با نشان را، این احکام بخاطر آنست که بدانید خداوند از آنچه که در آسمانها و زمین است آگاه است و خداوند به همه چیز دانا است.

کلمه قیام که در این آیه آمده در آیه دیگری نیز آمده است آنجا که می فرماید:

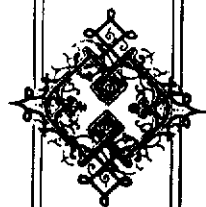
«ولا توتوا السفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیاما»<sup>۷</sup>.

هرگز اموال خود را که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده است به دست سفیهان ندهید «قیام» در اینجا به معنی «قوام» است و در حقیقت مرادف با الفاظ «عماد» و «سناد» می باشد و معنی آیه اینست که مراسم حج و زیارت کعبه و حضور در کنار خانه خدا قوام زندگی دنیوی و اخروی جامعه اسلامی است.

اجتماع در موسم نه تنها حیات معنوی مسلمانان را تأمین میکند بلکه مایه تأمین همه نوع عنصری است که در حیات فردی و اجتماعی ما دخالت دارد.

(۶) سوره مائده، آیه ۹۷.

(۷) سوره نساء، آیه ۵.



دقت در معنی آیه ما را به یک معنی وسیع رهبری می کند و آن اینکه آنچه با مصالح مسلمین در ارتباط است، وقوام حیات وکیان آنها به شمار می رود در این مراسم تأمین میشود آیا با چنین اطلاق وگسترده گوئی جا دارد که ما آنرا فقط و فقط در مصالح مربوط به عبادت و پرستش خلاصه کنیم؟

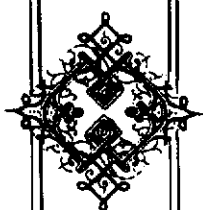
چه مصلحتی بالا تر از یک عمل سیاسی که مسلمانان را در برابر استعمار و استثمار تشکل و وحدت و سپس مقاومت و ایستادگی بخشد و آنان را در صف واحدی قرار دهد که همگی در برابر دشمن جبهه واحدی تشکیل دهند قرآن به اولیاء سفیهان اجازه نمیدهد که اموال خود را که مایه قوام زندگی آنها است، به سفیهان بپسارند و مؤکداً می فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» اموال خود را که وسیله قوام زندگی شما است به دست سفیهان نپسارید.

آیا با توجه به مضمون این آیه، صحیح هست که موسم حج در اختیار کسانی قرار بگیرد که آنرا نمی شناسند و از نقش آن در حیات پویای مسلمین بکلی غافلند برای اینکه خواننده گرامی از نظریات مفسرین که همگی بر محور واحدی دور می زنند، آگاه شود برخی از تصریحات آنان را پیرامون جمله «قیاما للناس» می آوریم.

«طبری» میگوید: خداوند، کعبه و بیت الحرام را قوام (زندگی) برای مردم قرار داده است.

آنگاه اضافه میکند و میگوید: «و جعلها معالم لدينهم ومصالح امورهم» کعبه را محل نشانه های آئین مردم و پایگاه مصالح امور آنها قرار داده است.<sup>۸</sup>

(۸) تفسیر طبری، ج ۷ ص ۴۹.



مؤلف «المنار» در تفسیر آیه یاد شده میگوید: خداوند کعبه را قوام کارهای دینی مردم قرار داده بگونه‌ای که تهذیب‌گر اخلاق آنان و پرورش دهنده نفوس آنهاست، آنهم از طریق فریضه حج که بزرگترین رکن دین ماست و آن عبادتی است معنوی که ابعاد اقتصادی و اجتماعی در بر دارد، آنگاه اضافه میکند و میگوید این «جعل» در آیه «جعل الله...» اعم از جعل تکوینی و تشریحی است که تضمین گر همه نوع مصالح دینی و دنیوی مردم است.<sup>۱</sup>

### ۳- اعلام بیزاری در موسم حج

شما هرگاه در عمومیت جمله‌های «لیشهدوا منافع لهم» و یا «قیاما للناس» شک و تردید کنید ولی هرگز نمیتوانید در عمل نماینده پیامبر گرامی در موسم حج که صد درصد یک عمل سیاسی بود، تردیدی بخود راه دهید.

زیرا پیامبر گرامی در سال نهم هجرت علی (ع) را مأمور کرد که قطع نامه‌ای را که متضمن اعلام بیزاری از مشرکان بود، در مراسم حج قرائت نماید، و این موقعی بود که شانزده آیه از آغاز سوره براءت بر قلب پیامبر گرامی نازل شد که آغاز آنها عبارت است از:

«براءة من الله ورسوله الى الذين عاهدتم من المشركين .

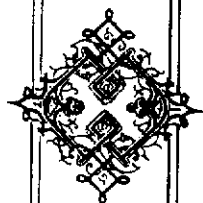
فسيحوا في الارض اربعة اشهر واعلموا انكم غير معجزي الله وان الله

مخزي الكافرين .

واذان من الله ورسوله الى الناس يوم الحج الاكبر ان الله بريء

من المشركين ورسوله فان تبتم فهو خیر لكم وان توليتم فاعلموا انكم غير

(۱) المنار، ج ۷ ص ۱۱۹.



معجزی الله وبشرالذین کفروا بعذاب الیم»<sup>۱۱</sup>

«اعلام بیزاری است از جانب خدا ورسول او به آن گروه از مشرکان که با آنها پیمان بسته‌اید (به آنان برسانید که) می‌توانید در روی زمین چهارماه آزادانه گردش کنید و بدانید که شما خدا را عاجز نخواهید کرد و خدا کافران را خوار خواهد نمود .

این اعلامی است که از جانب خدا ورسول او به مردم در روز حج اکبر که خدا ورسول او از مشرکان بیزار است .  
اگر توبه کردید برای شما نکوست و اگر روی برگردانید بدانید که شما خدا را عاجز نخواهید کرد و به گروه کافر به عذاب دردناک بشارت بده».

امیرمؤمنان پس از قرائت این آیات، قطعنامه‌ای را که متضمن مواد چهارگانه بود به این شرح ایراد کرد و گفت: هان ای مشرکان:

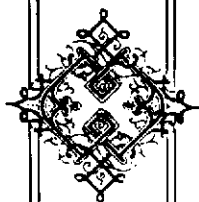
۱ - بت پرستان حق ندارند وارد خانه خدا شوند.

۲ - طواف با بدن برهنه ممنوع است.

۳ - بعد از این هیچ بت پرستی در مراسم حج شرکت نخواهد کرد.

۴ - کسانی که با پیامبر پیمان عدم تعرض بسته‌اند، و در طول مدت به پیمان خود وفادار بوده‌اند، پیمان آنان محترم است و تا انقضای وقت پیمان، جان و مالشان محترم می‌باشد، ولی به مشرکانی که با مسلمانان پیمانی ندارند و یا عملاً پیمان شکنی کرده‌اند، از این تاریخ (دهم ذی الحجه) چهارماه مهلت داده می‌شود که تکلیف خود را با حکومت اسلامی روشن سازند: یا باید به گروه موحدان و بکتاپرستان پیوندند و هرنوع مظاهر شرک و دوگانه پرستی را درهم کوبند و یا اینکه آماده

(۱۰) سوره توبه، آیات ۳ - ۱.

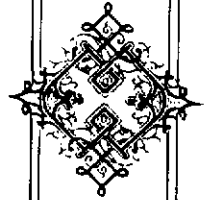


## جنگ و نبرد گردند. ۱۱

چه عملی سیاسی تر از چنین عملی که در بحبوحه فریضه حج که مشرکان و مسلمانان سرگرم طواف و یا مشغول رمی جمره بودند ناگهان علی (ع) روی نقطه بلندی قرار می گیرد و به لغویخشی از پیمانها مبادرت می ورزد و به مشرکان شبه جزیره چهارماه مهلت می دهد که یا شرک را ترک گویند، و به صفوف موحدان بپیوندند و یا آماده جنگ و نبرد شوند.

ادامه دارد

(۱) تفسیر طبری، ج ۱۰ ص ۴۷، سیره ابن هشام ج ۴، ص ۵۴۵.



از وصایای علی (علیه السلام) به امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) به هنگام ضربت خوردن.

وَاللّٰهُ اللّٰهُ فِی بَیْتِ رَبِّکُمْ لَا تُخَلِّوْهُ مَا بَقِیْتُمْ فَاِنَّهٗ اِنْ تَرَکَ کُمْ  
تُنَظَّرُوْا.

از خدا بترسید در باره خانه پروردگارتان (مکه معظمه) آنرا خالی نگذارید تا زنده هستید که اگر آن رها شود (از رفتن شما خالی ماند از کفر الهی) مهلت داده نمی شوید (بعذاب خدا مبتلی می شوید).

نهج البلاغه مرحوم فیض الاسلام / ۹۷۸